

بررسی خط مشی گذاری آموزشی در موسسات مالی غیر دولتی به منظور ارائه مدل مناسب

سعید بخشی زاده^۱، حیدر تورانی^۲ علی خلخالی^۳

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۴

چکیده

هدف: مقاله حاضر با هدف بررسی خط مشی گذاری آموزشی در موسسات مالی غیر دولتی به منظور ارائه مدل مناسب انجام شد. **روش:** روش تحقیق به لحاظ هدف توسعه ای و از نظر نوع داده ها آمیخته اکتشافی متوالی، در بخش کیفی به روش داده بنیاد و در بخش کمی به روش توصیفی از نوع پیمایشی انجام شد. جامعه آماری در بخش کیفی تعدادی از خبرگان و در بخش کمی کلیه مدیران و معاونین و کارکنان ستادی موسسات شامل ۳۸۵۰ نفر بود. در بخش کیفی ۱۲ نفر به روش گلوله برفی و در بخش کمی تعداد ۳۸۴ نفر طبق جدول کرجسی و مورگان به روش خوشه ای و تصادفی انتخاب شدند. ابزار تحقیق پرسشنامه محقق ساخته بود که در بعد کمی از روایی ظاهری، محتوایی و سازه برخوردار بود. همچنین CVR با ضریب ۰/۸۴۶ تأیید و پایایی آن با ضریب ۰/۸۷۱ تأیید شد و داده ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: نتایج نشان داد که ابعاد و مولفه های مدل عبارتند از ۱- تأکید بر عوامل راهبردی (توانایی های علمی و مهارتی سیاستگذاران، تأکید بر واقع گرایی در تدوین خط مشی، تأثیر احزاب سیاسی بر تدوین خط مشی، تأثیر فرهنگ و جامعه در تدوین خط مشی) ۲- تأکید بر عوامل حمایتی (استفاده از حمایت های کشوری، استفاده از جامعه علمی، استفاده از حمایت نهاد و ارگان ها دولتی) ۳- توجه بر کیفیت آموزشی (تأکید بر ارزیابی در تدوین خط مشی، توجه بر رشد کارکنان، تأکید بر عوامل آموزشی و پژوهشی) ۴- توجه به زیرساختها و امکانات آموزشی (فراهم آوردن امکانات آموزشی، اصلاح ساختار سازمانی، توزیع عادلانه بودجه در نظر گرفته شده) ۵- توجه بر توسعه چندگانه (توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و علمی) ۶- توجه بر آثار اجرای خط مشی (رشد آموزشی، رشد ارزشهای انسانی و اخلاقی، ایجاد زمینه توزیع عدالت).

نتیجه گیری: با توجه به مقدار جذر برآورد واریانس خطای تقریب برای هر بعد که به ترتیب برابر با ۰/۰۶۳، ۰/۰۷۵، ۰/۰۶۳، ۰/۰۶۳، ۰/۰۹۹، ۰/۰۹۳ و ۰/۰۸۱ است، مدل حاصل دارای ساختار مناسبی است.

واژگان کلیدی: خط مشی گذاری آموزشی، موسسات مالی غیر دولتی، توسعه اقتصادی، توسعه علمی، مدل.

۱ دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران.

۲ عضو هیأت علمی، سازمان پژوهش و پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، تهران، ایران (نویسنده مسئول) heidar_toorani@yahoo.com

۳ دانشیار، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران.

یکی از ارکان اساسی توسعه یک کشور، بانکها و موسسات خصوصی کشور است، این بخش از آن جهت دارای اهمیت فوق‌العاده است که هم ابزاری مهم برای توسعه بوده و هم یکی از اهداف توسعه محسوب می‌شود. در کشورهای مختلف، استقرار و فعالیت نظام‌های مالی به یک جریان عادی و مستند تبدیل شده است و هر ساله بخش عظیمی از منابع عادی در قالب بودجه و هزینه‌های شخصی، در این راه صرف می‌شود (جهانیان، ۱۳۹۱، ص ۹۳). در همین راستا سیاستگذاری آموزشی^۱ در موسسات مالی خصوصی^۲ مسأله حیاتی است. ولی آنچه که بیش از هر چیز دیگر، دارای اهمیت است، انجام درست یک تصمیم کلی است، که دارای تبعات بین‌المللی است. اگر خطای سیاستگذاری دیروز منجر به بروز وضعیت ناگوار کنونی در گستره ملی شده است، اما خطای سیاستگذاری در حوزه بین‌المللی از مرز کشور گذشته و منجر به مخدوش شدن حوزه گردش مالی کشور در عرصه بین‌المللی خواهد شد (اکبری و همکاران، ۱۳۹۵). از طرف دیگر دو بعد اصلی و اساسی در سیاستگذاری‌ها عبارتند از عوامل (تصمیم‌گیران) و فرایند (روش) سیاستگذاری، هیچ یک از این دو بعد به تنهایی قادر به ارائه تصویر روشنی از سیاستگذاری نیست. ترکیب این دو عامل منجر به پدید آمدن وضعیت جدید و اشکال گوناگونی از سیاستگذاری می‌شود، که برخی کارا و برخی دیگر ناکارا و ناموفق خواهند بود (صغری، ۱۳۹۵، ص ۱).

در این میان بانک‌های خصوصی و موسسات مالی به عنوان یکی از منابع معتبر و قدیمی که خدمات بسیاری در بخش تسهیلات و ارائه خدمات مالی و حسابداری در حال انجام وظیفه هستند، می‌تواند با ارتقاء کیفیت خدمات خود باعث رضایت مشتریان شود. بر همین اساس در سالهای اخیر به موازات برخی اصلاحات سازمانی و تفویض اختیارات به منظور ایجاد بستری مناسب جهت تحول ساختارهای مختلف این موسسات و شرکتها، برنامه‌های جامعی در زمینه آموزش نیروی انسانی، تدوین و به مرحله اجرا درآمده است. که در این میان تحت عنوان خط مشی گذاری آموزشی در موسسات نام برد، که توسط اداره کل آموزش و بهبود مدیریت بانک‌ها و موسسات ارائه گردیده است. لذا در این پژوهش، پژوهشگر به دنبال ارائه مدلی در راستای خط مشی گذاری آموزشی موسسات مالی غیر دولتی می‌باشد. بنابراین اهداف زیر برای دستیابی به مدل ذکر شده مطرح شد: ۱- شناسایی مولفه‌ها و شاخص‌های خط مشی گذاری در موسسات مالی غیردولتی کشور، ۲- ارائه مدل مناسب جهت خط مشی گذاری در موسسات مالی غیردولتی کشور، ۳- تعیین درجه تناسب مدل ارائه شده

آموزه چرخه حوره مالی و تصمیمات کلان مرتبط با آن، به عنوان یکی از ارکان اصلی نظام بانکی و اقتصادی کشور همواره مورد توجه بوده و در برنامه‌های بلندمدت لحاظ شده است، به طوری که در برخی مواد برنامه پنجم توسعه کشور اشاره‌ی مستقیم به صنعت بانکداری شده است (عدالت، ۱۳۸۹)؛ اما پیشرفت‌های متعدد در این حوزه، تغییرات مکرر در محیط پیرامون صنعت بانکی و مالی و تحولات اخیر فناوری اطلاعات^۳ و تاثیرات آن بر این صنعت، موجب بروز ناکارآمدی‌هایی شده و فرایند تصمیم‌گیری کلان این حوزه را با پیچیدگی‌های فراوانی مواجه کرده است (قدیرمحسنی، ۱۳۹۷).

جامعه مدنی در کنار بخش خصوصی و دولت، رکن سوم توسعه در حکمرانی خوب به شمار می‌رود. ضرورت تعامل بخش دولتی با سازمان‌های مردم‌نهاد، به منزله موتور محرکه جامعه مدنی، امری انکارناپذیر است. سازمان‌ها و نهادهای گوناگون بخش دولتی، اعم از دولت و مجلس، با سازمان‌های مردم‌نهاد، هم‌هنگام طرح مسئله، هم در اجرا و هم در نظارت خشمگی‌ها ارتباط برقرار می‌کنند (ترک زاده و همکاران، ۱۳۸۷).

به اعتقاد صاحب‌نظران و مجریان صنعت بانکداری و مالی^۴ در ایران، با گذشت چند دهه از عمر صنعت بانکداری در ایران و پشت سرگازدن دوره‌های مختلف بلوغ، همچنان مسائلی زیادی در حوزه خط مشی گذاری در این صنعت، وجود داشته و نبود خط مشی مناسب، واحد و شفاف در هر دوره، آفت‌های زیادی را به همراه داشته است. افزایش هزینه‌های نظام بانکی و مالی، ناکارآمدی سیستم‌های مالی بلا تکلیفی در تصمیمات کلان بانکها، نارضایتی گروه‌هایی از مشتریان و... از جمله تبعات اخیر نبود خط مشی مناسب در این صنعت است. از جمله مشکلات، مسائلی و چالش‌های اصلی صنعت بانکی در مقوله خط مشی بانکداری و مالی، نبود شفافیت در تصمیمات^۵ موجود، نبود رویه‌ای واحد در تصمیمات کلان بانکداری، نبود داده، آمار و تحلیل‌های نا صحیح، در این خصوص است. به طور کلی در برخی حوزه‌های بانکداری و مالی اساساً خط مشی مشخصی وجود ندارد، یا در صورت وجود خط مشی، سیاست‌های اتخاذ شده، سرمایه‌گذاری‌های کلان و اقدامات صورت گرفته قادر به حل مشکلات و مسائلی موجود در این صنعت نبوده و کارایی لازم را ندارد (منوریان و همکاران، ۱۳۹۷).

چالش‌ها و آسیب‌های ذکر شده را می‌توان دلیلی بر عدم تناسب برنامه‌ها و الگوهای توسعه‌ای به کار گرفته شده در حوزه آموزش و یا فقدان مدلی همگون با واقعیت‌های موجود و شرایط بومی و فرهنگی کشور از یک سو و رشد روزافزون کیفیت آموزش در دنیا از سوی دیگر دانست. در شرایط فعلی یکی از مهمترین مسائلی پیش روی آموزش در تمام دنیا، فرایند مستمر بهسازی و باز مهندسی ساختارها و برنامه‌ها است. از سوی دیگر شکاف میان انتظارات اجتماعی و دستاوردهای آموزش مرتب در حال افزایش و رهبران سیاسی و مالیات آموزشی در کشورهای مختلف از شکست‌های عینی و ملموس در حوزه آموزش نگران می‌باشند از این رو آموزش برای برخورداری از ساختاری کارآمدتر و قابلیت بالاتر، همچنین دستیابی به کیفیت بهتر و نوسازی مستمر، نیازمند الگویی منتخب و موفق برای توسعه و برنامه‌ریزی راهبردی خود است. بنابراین با توجه به مستندات فوق مبنی بر چالش‌های فراوان در حیطه سیاستگذاری آموزشی در بخش موسسات خصوصی و صرف هزینه‌های فراوان در حیطه آموزش و کمبود تحقیقات در این زمینه و نبود مدلی مناسب در این زمینه و همچنین تجربه پژوهشگر به عنوان یکی از دست‌اندرکاران این بخش، پژوهشگر در صدد برآمدن با انجام پژوهش حاضر به این سوال به شیوه علمی پاسخ دهد؛ چه مدلی را می‌توان در راستای خط مشی گذاری آموزشی در بخش موسسات مالی غیر دولتی ارائه داد؟

اصطلاحات کلیدی در تعریف خط‌مشی: خط مشی، فرایند تبدیل و بیان اصول و اولویت‌های سیاسی دولت به برنامه‌ها و فعالیت‌هایی است که به منظور دستیابی به تغییرات مطلوب اجرا می‌شوند. این تعریف چند رکن اساسی دارد:

الف) تبدیل و بیان: هیئت حاکمه اصول و مبنای مشخصی را برای اداره امور مملکت در ذهن دارند، که در سطحی بالاتر از خط‌مشی‌ها قرار دارند، اما ممکن است مکتوب نباشد و حتی آن را مکتوم نمایند. در حقیقت ممکن است اهداف و برنامه‌هایی بالاتر از خط‌مشی‌ها وجود داشته باشد که این خط‌مشی‌ها ترجمه بیان عملیاتی آن‌ها باشند. در اینجا، خط مشی‌ها نقش ترجمه مقاصد و اهداف حاکمان را ایفا می‌نمایند.

ب) اصول: اصول ۶ مفاهیمی کیفی هستند که به صورت یک طیف نشان داده می‌شوند. این اصول، به وسیله خط مشی‌ها، ترجمه و بیان می‌شوند. آن‌ها، به معنی واقعی، همان خط‌مشی‌های اجرایی هستند که به کار گرفته می‌شوند. برای مثال، استقلال یکی از اصول اساسی و مفهومی کیفی است که ممکن است در دولت‌ها از آن به ولنگاری سیاسی - اخلاقی تعبیر شود. خط‌مشی‌ها نشان می‌دهند که هیئت حاکمه چقدر و چگونه به اصل استقلال پایبند می‌باشند.

ج) اولویت‌های سیاسی: خط مشی‌ها، مشروعیت و اهداف هیئت حاکمه را بیان می‌کنند و دولت‌ها نیز در تلاشند تا از راه وضع خط‌مشی‌های مطلوب و مورد پسند مردم، مشروعیت خود را تقویت نموده و استحکام بخشند. دولت‌ها، به همه خط‌مشی‌ها اعم از سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، آموزش، بهداشتی و... به صورت سیاسی نگاه می‌کنند. دولت‌ها، حتی در ارزیابی و بررسی توجهات فنی و اجتماعی خط‌مشی‌ها، وجه اثر بخشی را بر کارایی^۶ ترجیح می‌دهند (مولر، ترجمه: ملک محمدی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۹).

د) دولت: دولت ۱۰ به عنوان نهاد محسوب می‌شود و در یک تعریف حقوقی می‌توان گفت: مجموعه‌ای است از مردم که در قلمرو معینی (محدوده جغرافیایی) و تحت حاکمیت خاصی سکونت داشته باشند، برخی نیز در تعریف گفته‌اند: بافت اجتماعی و کیفیت سیاسی یک ملت، «دولت» آن ملت است. طبق این تعریف، عناصری هستند که تشکیل دهنده دولتند از جمله: جمعیت که یکی از عوامل اصلی تعیین‌کننده دولت است و به مجموع افرادی گفته می‌شود که به وسیله یک رابطه حقوقی، سیاسی و معنوی به نام تابعیت تحت حاکمیت دولتی بدون در نظر گرفتن نژاد، مذهب و... با یکدیگر مرتبط و متحد می‌شوند. سرزمین، عنصر تشکیل دهنده دیگری است که هم از عناصر مادی و اساسی تشکیل دهنده دولت و هم از لوازم اصلی تشکیل دولت است. ولی مهمترین عنصر در تشکیل دولت، عنصر حکومت^۷ و ماهیت هر حکومت، حاکمیت است. این عامل اخیر، در حقیقت قدرت سیاسی دولت است و اگر نباشد دولت تشکیل نمی‌شود. به عقیده برخی از نویسندگان معاصر از واژه حکومت، سه معنا به ذهن متبادر می‌شود: الف)

1. Educational Policy
2. Private Financil Institutions
3. Information Technology
4. Banking & financial industry
5. Transparency in Decisions
6. Principles
7. Political priorities
8. Effectiveness
9. Efficiency
10. State
11. Government

عمل حکومت و رهبری، (ب) رژیم سیاسی، (ج) ارگان هایی که عمل حکومت را در یک « دولت - کشور » بر عهده دارند، به ویژه ارگان هایی که قوه اجرایی را اعمال می کنند و این معنا سوم در زبان فارسی از واژه دولت نیز استنباط می شود. با این توصیف، این دولت است که از روش های مختلف مانند تصویب قانون، آیین نامه و بخشنامه، خط مشی های عمومی را اتخاذ می کند. همه تصمیماتی که به نوعی به وسیله ادارها و سازمان های دولتی یا وابسته به دولت در مورد موضوعات متنوعی در قلمرو آموزش، بهداشت، مسکن، کشاورزی، فرهنگ و صنعت، امور خارجه، امنیت و جزء اینها اتخاذ می شود، اصطلاحاً سیاست های عمومی گفته می شود و البته طیف این امور بسیار وسیع و متنوع است و تقریباً همه شاخه های سه گانه امور مملکتی را در بر می گیرد.

همه برنامه و فعالیت ها، دولت های برای این که بتوانند خط مشی های خود را اجرا کنند، آن ها را از طریق برنامه ها به هدف کوتاه مدت تبدیل کرده و راه رسیدن به آنها را تعیین می کنند. بنابراین برنامه را می توان می توان تعهدی برای انجام یک مجموعه عملیات به منظور تحقق اهداف تعریف نمود.

(و) تغییرات مطلوب: دولت با وضع خط مشی، در تلاش برای ایجاد تغییرات مطلوب است. خط مشی، تصمیم بلند مدتی است که در طی سال های جاری حکمفرماست و در پاسخ به مسائل اتخاذ گردیده است. اما این پاسخ از طریق ایجاد تغییر، مسائل را حل می کند. زیرا مسئله اجتماعی جنبه ای از اجتماع است که مردم نسبت به آن نگران بوده و خواستار تغییر آن هستند. مطلوب بودن تغییر، زمانی است که با اعمال خط مشی، وضعیت ناهنجار رفع گردیده و روابط متقابل اجتماعی و افراد به حالت عادی برگردد. اما در صورتی که این تغییر ارکان نظام سیاسی، اجتماعی را در خطر متلاشی شدن قرار دهد یا سرعت آن را شدید نماید، یا از میزان مشروعیت دولت بکاهد و یا کاهش رفاه عمومی، نارضایتی مردم را شدید نموده و حرکت های جمعی را سبب شود، تغییر نامطلوب است (مولر، ترجمه: ملک محمدی ۱۳۹۴، ص ۱۱۰).

سیاست گذاری حرفه ای آموزشی در هزاره سوم

امروزه آموزش به عنوان مولفه ای تاثیرگذار در آینده کشورها، دارای پیچیدگی روابط و تعاملات و تغییر عوامل محیطی است و توجه به آن مستلزم ملاحظات زیادی است. نظام آموزشی به عنوان یک نظام اجتماعی تعریف شده است (همتی و همکاران، ۱۳۹۴).

اطراف انسان امروز را مسائل مختلف احاطه کرده است. که هر کدام به نوع آینده بشر و نظام اجتماع او را دستخوش تغییر ساخته است. سرعت تغییرات، عمق تغییرات و تنوع آنها موجب شده است این وضعیت بر روی تشخیص و درک عموم، دریافت اطلاعات، ارزیابی راه حل های ممکن و نحوه اجرای آنها اثر بگذارد. در این فضای پر ابهام، سیاست گذاری کاری بس دشوار است. مسائل امروز نسبت به گذشته بسیار پیچیده ترند و سیاست گذاری باید توان رویارویی با این پیچیدگی ها را داشته و عمق آنها را درک کند. خط مشی گذاری در دنیای امروز باید هر چه بیشتر به سمت حرفه ای شدن پیش رود (دانش فرد، ۱۳۸۹).

سیاست گذاری حرفه ای آموزشی مبتنی بر دانایی: سیاست گذاری دانایی محور می تواند به مفهوم حاکمیت علم و روش های نگرش های علم در تمام مراحل مطالعه، تدوین، اجرا و نظارت و ارزشیابی برنامه های توسعه ملی باشد. در این پارادایم کلیه فرایندهای سیاست گذاری تحت الشعاع یک ارزش محوری به قرار گرفته است (جعفری و کریمی، ۱۳۹۶).

در جهان امروز دانش و علم بیش از پیش مورد نیاز سیاست گذران بویژه سیاست گذران آموزشی می باشد و دانایی باید نقش اساسی در تدوین سیاست ها و راه حل ها ایفا کند. سیاست گذاری دانایی محور که از سال ۱۹۹۶ مطرح شده و محصول عوامل زیر است:

- گسترش فعالیت های مبتنی بر دانایی - توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات - روند شتابنده جهان شدن فرایندهای اجتماعی - ارتقای ارزش افزوده دانایی و اطلاعات در فعالیت های اجتماع و اقتصادی

- برجسته شدن نقش و جایگاه بنگاه های دانش - حمایت جدی دولت ها از حق مالکیت معنوی - رشد تقاضای دانایی در فعالیت های تولیدی (دانش فرد، ۱۳۸۹).

در این بخش به برخی پیشینه های موجود از داخلی و خارجی در راستای پژوهش حاضر پرداخته می شود؛ - قلی پور و همکاران (۱۳۹۷). در پژوهشی با موضوع " طراحی الگوی خط مشی گذاری در آموزش و پرورش ایران با رویکرد قابلیت" به این نتیجه دست یافتند که خط مشی گذاری با رویکرد قابلیت، مستلزم به کارگیری الگوی خط مشی گذاری با عناصر رویکرد قابلیت به عنوان محتوای خط مشی ها است. در این الگو، تجلی نظام خط مشی گذاری شورای عالی آموزش و پرورش است که به نهادهای فراقوه ای و قوای سه گانه، خانواده ها، نهادهای مدنی و بخش خصوصی تعامل دارد و با توجه به آزادی های مورد نیاز، برای تحقق بخشیدن به توسعه قابلیت ها و تبدیل آنها به کارکردها در چارچوب فرهنگ و نظام ارزشی فعالیت می کند.

- صفایی موحد و فلاحی نیا (۱۳۹۵). در پژوهشی تحت عنوان "تدوین برنامه توسعه حرفه ای کارشناسان و مدیران آموزش در شرکت ملی نفت ایران" به این نتیجه رسیدند که به منظور توسعه و بهسازی شاغلین فعال در حوزه صنعت نفت، بایستی آموزش ها را در سه سطح متصدی آموزش، کارشناس آموزش و مدیر آموزش ارائه نمود و در هر یک از این سطوح دوره های آموزشی مناسب را در نظر گرفت. برای مثال در سطح متصدی آموزش دوره های آموزش بزرگسالان، مدیریت منابع انسانی، تاریخچه آموزش در صنعت نفت و... در سطح کارشناس آموزش دوره های نیازسنجی، طراحی آموزش، راهبردهای اجرایی آموزش و... در سطح مدیر آموزش دوره های مدیریت پروژه، مدیریت دانش، سازمان یادگیرنده، سیاست گذاری آموزشی و... را مد نظر قرار دهند.

- اکبری و همکاران (۱۳۹۵). در پژوهشی با عنوان "الگوی پیشنهادی نظام مند برای سیاستگذاری در آموزش و پرورش" به این نتیجه دست یافتند که چگونگی طی این مسیر های مشخص می تواند نقشه راهی برای نهادهای علمی و پژوهش کشور باشد. پژوهش حاضر با مروری بر رویکرد سیاست گذاری در آموزش و پرورش، جمع بندی نقاط ضعف و قوت آن و همچنین در نظر گرفتن ملاحظات بومی کشور که نشأت گرفته از ویژگی های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران است، چارچوب مفهومی نظام مندی برای برای سیاست گذاری در آموزش و پرورش ارائه داده است.

- طالبی و همکاران (۱۳۹۵). در پژوهشی با عنوان "ارائه مدل ادراکی سیاستگذاری در آموزش و پرورش ایران" به این نتیجه دست یافتند که همه این کشورها از آموزش و پرورش توانمند و کارآمدی برخوردار هستند. با توجه به اهمیت نظام آموزشی در تربیت انسانها و پیشرفت جوامع، لزوم اتخاذ بهترین سیاستها در شرایط مختلف، ضروری است. از این رو در این مقاله با تأکید بر نقش سیاستگذاری آموزشی در توسعه علم و فناوری، با استفاده از دیدگاه نظام مند و در نظر گرفتن تمامی عواملی که بر دروندادها (تعریف سیاستگذاری به عنوان یک وظیفه، تدوین انتظارات از سیاستگذاری، ساختار و اختیارات قانونی و نیروی انسانی)، فرآیندها (تشخیص، تعریف و تحدید مسئله، تدوین راه حل های پیشنهادی، تحلیل راه حلها و انتخاب بهترین راه حل، تصویب راه حل یا سیاست اتخاذ شده، اجرا، ارزیابی و بازنگری) و بروندهای سیستم آموزشی (ارتبخیسی سیاست و فرآیند سیاستگذاری، عدالت آموزشی، اخلاق، نیازها و انتظارات اجتماع، امکان سنجی سیاسی) تأثیر می گذارند، همچنین تعامل میان نظام آموزشی با دیگر نظامها (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و غیره) به ارائه مدل ادراکی سیاستگذاری در آموزش و پرورش ایران پرداخته شده است.

- محمود زاده و همکاران (۱۳۹۴). در پژوهش خود تحت عنوان "بهبودی آموزش خط مشی گذاری، ضرورتی در راستای توسعه ظرفیت خط مشی گذاری جمهوری اسلامی ایران" بهسازی آموزش خط مشی گذاری عمومی در دوران تحولات تکمیلی کشور را با توجه به نیازهای دانشی، بهره گیری از مدل شایستگی خط مشی گذاران و همچنین انجام مطالعات تطبیقی آموزش خط مشی گذاری در سایر دانشگاه های جهان تبیین کرده اند. این پژوهش، بهسازی آموزش خط مشی گذاری عمومی را در قالب بازبینی و تصحیح سرفصل ها و سایر ابزارهای آموزشی سازگار با تغییرات و تحولات معاصر و شرایط سیاسی و اقتصادی کشور مورد بررسی قرار داد.

- فرهی بوزجانی و همکاران (۱۳۸۹). در پژوهشی تحت عنوان "طراحی الگوی توسعه مدیران حوزه بهداشت و درمان و آموزش پزشکی" به این نتیجه رسیدند که مهم ترین ابعاد تأثیرگذار بر توسعه مدیران شامل ابعاد استعدادیابی و جانشین پروری، سازماندهی، حمایت سازمانی، حرفه ای، روان شناختی، دینی و اسلامی و مدیریت عملکرد و مهم ترین مولفه های تأثیرگذار شامل مولفه های دانش، مهارت، توانایی، شخصیت، انگیزش، نگرش، معنویت، بصیرت، معرفت، ساختار سازمانی، طراحی مشاغل مدیریتی، نرم افزار، سخت افزار، فرایندها و وظایف مدیریتی است.

- الوانی و همکاران (۱۳۸۸). در پژوهشی با عنوان "مروری بر مدل های خط مشی گذاری در نظام آموزش عالی" به این نتیجه دست یافتند که اتخاذ چنین سیاست هایی مستلزم آن است که یک نظام آموزش عالی ضمن برخورداری از شیوه ها و الگوی مناسب خط مشی گذاری در سطوح عالی تصمیم گیری، هم به استانداردهای علمی و هم اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه توجه و اذعان نظر نماید.

- گالیش و استارنوسکی (۲۰۱۸). در تحقیقی تحت عنوان «سیاست های آینده در آموزش» تغییرات و چالش های سیاست های آموزشی و سیستم های اروپای مرکزی و شرقی را مورد بررسی قرار دادند. کشورهای منطقه دارای ویژگی هایی مانند تجارب تاریخی خود با حکومت اقتدارگرا، سوسیالیست و کمونیست و تأثیر آن در سیاست های آموزشی و همچنین نیمه پایداری اقتصادی طولانی مدت آن هستند. در این تحقیق به بررسی این تفاوت در مناطق بحث شده است. آنان پس از تحلیل سیاست های آموزشی در بلاروس، کرواسی، مجارستان، لهستان، روسیه و اوکراین بیان می دارند، شکافهای اقتصادی در سطح کلان به تفاوت های نسبی ساختارهای سیستم های آموزشی، و همچنین معیارهای ارزیابی بین المللی مربوط است. موضوعی که در این متون به وضوح ظاهر می شود، پیچیدگی روابط شرق و غرب است. تبدیل سیستم های آموزشی که مستلزم درهم آمدن میراث های گذشته و سیاست های قرض گرفته می شود، می تواند نتایج تلخی را به همراه داشته باشد، که پیچیده تر شدن آموزش و پرورش یکی از آثار آن می باشد.

1. Plane

2. Desired changes

3. Gawlicz and Starnawski

لویبسنسکی (۲۰۱۸). در تحقیقی تحت عنوان "شبکه‌های سیاسی و مدل‌های بازار برای آموزش" تعدادی از رویکردهای بررسی چگونگی انتقال خط مشی‌ها از طریق شبکه‌های حمایتی از حقوق، با تمرکز بر مسائل آموزشی و به ویژه سیاست‌های مبتنی بر بازار را مورد بررسی قرار داد. در حالی که سیاست‌گذاران و تأمین‌کنندگان خصوصی شواهدی در مورد اثربخشی مداخلات پیشنهادی در زمینه آموزش ارائه می‌دهند، کاملاً معلوم نیست که خودشان شواهدی را در ارتقاء سیاست‌های خاص در نظر می‌گیرند. در عوض، همانطور که در طرح‌های سیاست‌گذاری برای اصلاحات مبتنی بر بازار ظاهر می‌شود، اغلب تحقیقات دقیق نیست که سیاست‌ها را ارتقاء دهند، بلکه سیاست‌های حمایتی موثر است. در واقع، شواهد نشان می‌دهد که زیرساخت‌های تولید سریع و انتشار داده‌ها از طریق سازمان‌های حمایتی و شبکه‌ها، اغلب به مفهوم و یا تولید مدارک جایگزین تبدیل شده است. در حالی که نظریه پردازان انتقادی برای مدتی گسترش مدل‌های اصلاحی نتولیرالی را در آموزش دیده‌اند.

لو و یات (۲۰۱۷). در تحقیقی تحت عنوان "تغییر سیاست اخیر در آموزش عالی در هنگ کنگ" برای تعیین اهمیت سیاست در آموزش عالی بیان داشتند که برای رسیدن به این هدف، تنش بین دستور کار جهانی را که توسط ایدئولوژی نتولیرالی و شیوه‌ها و نیازهای محلی مشخص شود، توضیح می‌دهند که منافع سیاسی دولت‌ها در سیاست آموزش عالی و توجیه دخالت دولت در آموزش عالی ضرورت دارد. بر این اساس استدلال می‌کنند که سیاست‌گذاری آموزشی در آموزش عالی تحت تأثیر مقررات، احزاب سیاسی و تغییرات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است.

کورکماز (۲۰۱۶). در مطالعه‌ای تحت عنوان «گزارش تحلیلی نظام آموزشی» پس از تعیین مدل مفهومی، از دو روش مصاحبه با صاحب نظران و دست‌اندرکاران سیاست‌گذاری و مطالعه مستندات مرتبط استفاده شد. در مرحله بعد با تحلیل علل و عوامل موثر بر مسایل، مداخلات پیشنهاد شده است. مداخلات پیشنهادی در هر سه حوزه کارکردی آموزش عبارت‌اند از: ساماندهی نظام مدیریت اطلاعات آموزشی و تدوین عوامل تصمیم‌گیری، تشکیل شبکه مشارکت و ذینفعان برای سیاست‌گذاری، تعیین اولویت‌های تحقیقاتی در حیطه عملکردها و اهداف نظام آموزشی و توسعه تحقیقات، توسعه مرکز مدیریت دانش برای بهره‌گیری از تجارب بین‌المللی، سیاست و قوانین حاکمیتی شفاف برای روابط بخش دولتی و خصوصی، سیاست‌های حفاظت از مصرف‌کنندگان مانند آگاه‌سازی مردم و رسانه‌ها از قوانین و حقوق، توانمندسازی کارکنان بخش دولتی برای نظارت بر عملکرد ارائه‌کنندگان خدمات. اگر چه در این پژوهش ابعادی از نظام آموزشی در نظر گرفته شده است، با این وجود به ابعاد ساختار سازمانی، قانونگذاری و نظارت توجهی نشده است.

تالنگ و همکاران (۲۰۱۶). در مطالعه‌ای به بررسی «ویژگی‌های اصلی اقتصاد زیربنایی یک نظام آموزشی مناسب» ضمن ارائه تعریفی جامع از منابع آموزشی اذعان داشتند که کیفیت آموزش به عنوان اصلی‌ترین کارکرد نظام آموزشی باید دارای خصوصیات تسهیل‌کننده نظام آموزشی باشد که این خصوصیات عبارتند از: وجود مدیران مسئول، اراده سیاسی، ابعاد هنجاری و مداخله‌گران متعادل. این ویژگی‌ها سبب می‌شود که مسئولین نظام آموزشی در راستای رسیدن به خصوصیات مذکور استراتژی‌های لازم را بیابند و به کار گیرند.

سیلبرای و همکاران (۲۰۱۶). در مطالعه خود به عوامل اساسی که به ترتیب اهمیت درسیاست‌گذاری آموزشی دانشگاهی باستانی مورد توجه قرار گیرد اشاره داشته‌اند، طراحی برنامه‌های توسعه راهبردی، بودجه دولتی، طرح‌های علمی و کاربردی، تأمین زیرساخت‌ها و تسهیلات، تطبیق اختیارات بیشتر در توسعه به دانشگاه‌ها و کیفیت فارغ‌التحصیلان.

چیابورو و همکاران (۲۰۱۰). در پژوهشی با عنوان «حمایت اجتماعی در محل کار و انتقال آموزش» با اشاره به اینکه انتقال آموزش برای اثربخشی محل کار حیاتی می‌باشد، به مطالعه دو نوع از حمایت اجتماعی (از طرف سازمان و از طرف سرپرست) که تعیین‌کننده انتقال آموزش می‌باشند پرداخته‌اند. پژوهشگران اظهار داشته‌اند که حمایت اجتماعی منجر به افزایش خودکارآمدی در زمینه آموزش خواهد شد. تسلط آموزش‌گیرنده بر یادگیری هدف‌گرای را افزایش می‌دهد و منجر به افزایش انگیزش برای انتقال آموزش خواهد شد.

سالونیا (۲۰۱۰). مطالعه‌ای در شرکت بل بر روی "فرآیند آموزش و توسعه" انجام داد. او در این گزارش سعی کرد تمام اطلاعات مربوط به فرآیند آموزش و توسعه را در شرکت بل ارائه نماید. قبیل اینکه آنها چگونه با هم ارتباط برقرار می‌نمایند؟ چگونه با سایر قسمت‌های زمان ارتباط دارند؟ چه چیزهایی در سازمان بر کل فرآیند توسعه و آموزش اثر می‌گذارد؟ مهم‌ترین یافته‌های این مطالعه به شرح زیر است:

۱- آموزش به عنوان یک گام مثبت برای افزایش پایگاه دانشی پاسخ‌دهندگان محسوب می‌شود. ۲- اهداف برنامه‌های آموزشی قبل از حضور در دوره برای شرکت‌کنندگان شناخته شده است. ۳- برنامه‌های آموزشی برای فراهم کردن نیازهای بالندگی پاسخ‌دهندگان به طور مناسب طراحی شده است. ۴- برخی از پاسخ‌دهندگان پیشنهاد کردند که طول مدت دوره کم بوده و نیاز است که زمان افزایش یابد. ۵- برخی از پاسخ‌دهندگان پیشنهاد کرده‌اند که استفاده از آخرین روش‌های آموزشی، اثربخشی دوره‌های آموزشی را افزایش خواهد داد. ۶- وسایل کمک آموزشی در بهبود کلی اثربخشی دوره‌های آموزشی موثر است. ۷- برنامه‌های آموزشی در بهبود کارایی حین شغل موثر است. ۸- برخی از پاسخ‌دهندگان پیشنهاد کرده‌اند که تعداد برنامه‌های آموزشی افزایش یابد. ۹- ارائه بازخورد مناسب به شرکت‌دهندگان در اثربخشی دوره‌های آموزشی موثر است.

روش‌شناسی

روش پژوهش برحسب هدف توسعه‌ای؛ برحسب نوع داده، آمیخته (کیفی-کمی) از نوع اکتشافی تأییدی؛ برحسب روش، توصیفی-پیمایشی بود. روش تحقیق در بخش کیفی، داده‌بنیاد و در بخش کمی، توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری در مرحله کیفی شامل تعدادی از خبرگان سیاست‌گذاری آموزشی که تعداد ۱۲ نفر به روش هدفمند گلوله برفی در بحث گروه کانونی مشارکت داده شدند و در بخش کمی و در بخش کمی شامل کلیه مدیران و معاونین و کارکنان ستادی موسسات شامل ۳۸۵۰ نفر است، که در بخش کیفی ۱۲ نفر به روش گلوله برفی و در بخش کمی تعداد ۳۸۴ نفر طبق جدول کرجسی و مورگان به روش خوشه‌ای و تصادفی انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه محقق ساخته بود که در بخش کیفی پس از مطالعه عمیق مبانی نظری و پیشینه‌های تحقیق ابتدا سوالات مصاحبه تدوین و پژوهشگر پس از هماهنگی‌های لازم در محل کار مصاحبه‌شونده حضور یافته و با استفاده از ضبط‌صوت و با کسب اجازه از مصاحبه‌شونده مکالمات مصاحبه را ضبط کرد تا کدها را استخراج کند و البته این عمل بعد از هر بار مصاحبه صورت گرفت. در بخش کمی نیز نتایج مصاحبه‌ها به وسیله کدگذاری (کدگذاری باز، انتخابی و محوری متون مصاحبه) و نیز تحلیل عاملی تأییدی و اکتشافی طبقه‌بندی شد. در نهایت پرسشنامه از دو بخش اطلاعات جمعیت‌شناختی و پرسشنامه محقق ساخته تشکیل شد که شامل ۹۲ گویه با طیف ۱۰ گزینه‌ای بود. روایی پرسشنامه در بعد کمی از روایی ظاهری، محتوایی و سازه استفاده شد و در بعد سازه از همگرا و واگرا به کمک نرم افزار لیزرل استفاده و مورد تأیید قرار گرفت و در بخش کیفی از نظرسنجی از افراد خبره استفاده و مورد تأیید قرار گرفت و در بحث پایایی، آلفای کرونباخ آن با ضریب ۰/۸۷۱ تأیید شد. سپس داده‌ها از طریق آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها
سؤال اول: سؤال اول: مولفه‌ها و شاخص‌های خط‌مشی‌گذاری در موسسات مالی غیردولتی کشور چه می‌باشد؟ با استفاده از روش داده‌بنیاد و تحلیل سوالات مصاحبه با خبرگان و کدگذاری باز، محوری و انتخابی با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA داده‌ها نشان داد که از میان ۹۲ شاخص (گویه) موجود، ۶ عام‌الصلی و ۲۱ مولفه فرعی قابل‌شناسایی است:

جدول ۱. خلاصه‌ای از ابعاد و مولفه‌های شناسایی شده تأثیرگذار بر خط‌مشی‌گذاری آموزشی در موسسات مالی غیردولتی

سازه	بعد	تعداد گویه	متغیر / مؤلفه	تعداد گویه
توانایی‌های علمی و مهارتی سیاست‌گذاران	تاکید بر عوامل راهبردی در تدوین خط‌مشی	۱۶	توانایی‌های علمی و مهارتی سیاست‌گذاران	۵
			تاکید بر واقع‌گرایی در تدوین خط‌مشی	۳
			تأثیر احزاب سیاسی در تدوین خط‌مشی	۳
تأثیر مسائل فرهنگی و اجتماعی در تدوین خط‌مشی	تاکید بر عوامل حمایتی مورد استفاده در تدوین خط‌مشی	۱۰	تأثیر مسائل فرهنگی و اجتماعی در تدوین خط‌مشی	۵
			استفاده از حمایت‌های کشوری	۵
			استفاده از جامعه علمی	۲

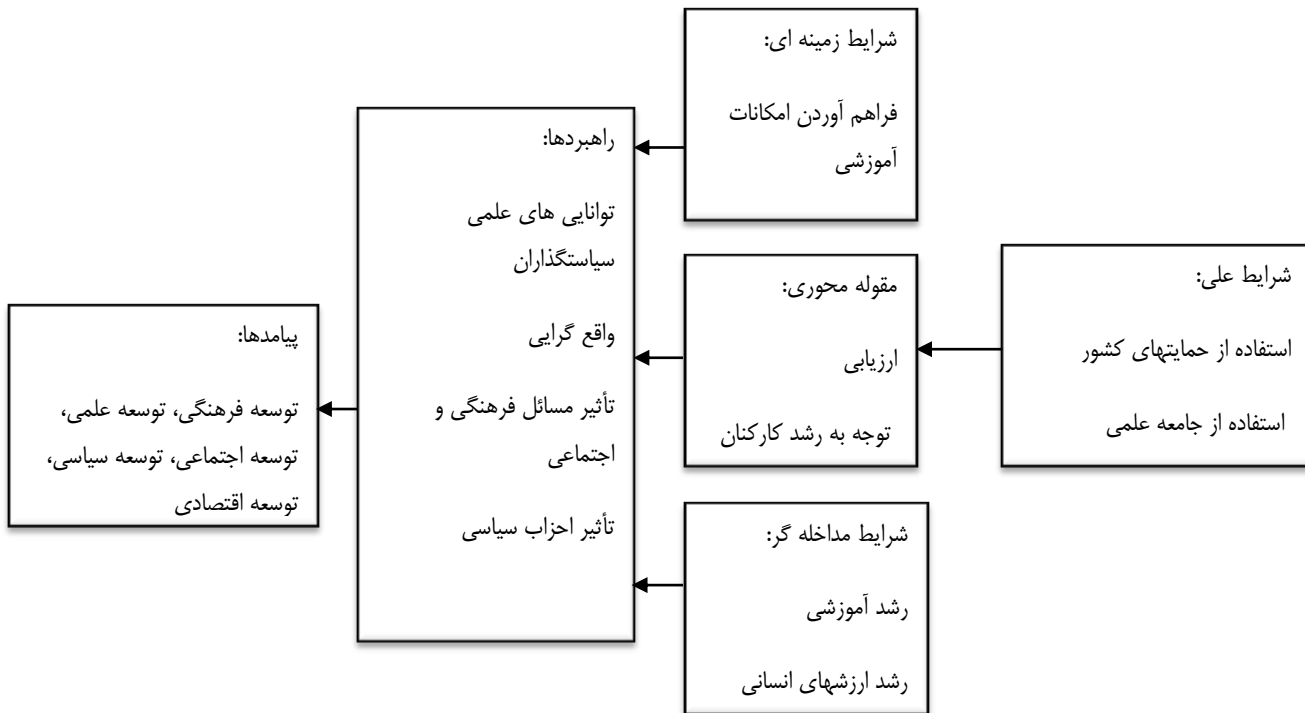
- Lubienski
- Lo and Yat
- Korkmaz
- Tong and act
- Silberglit and act
- Chiaburu, Dam & Hutchins
- Solonia

۳	استفاده از حمایت نهاد و ارگان ها دولتی		
۷	تاکید بر ارزیابی در تدوین خط مشی		
۲	توجه بر رشد کارکنان	۱۹	توجه بر کیفیت آموزشی در تدوین خط مشی
۱۰	تاکید بر عوامل آموزشی و پژوهشی		
۲	فراهم آوردن امکانات آموزشی		
۴	اصلاح ساختار سازمانی	۸	توجه بر زیرساختها و امکانات آموزشی در تدوین خط مشی
۲	توزیع عادلانه بودجه در نظر گرفته شده		
۳	توسعه اقتصادی		
۳	توسعه سیاسی		
۲	توسعه اجتماعی	۱۳	توجه بر توسعه چندگانه در تدوین خط مشی
۳	توسعه فرهنگی		
۲	توسعه علمی		
۷	رشد آموزشی		
۸	رشد ارزشهای انسانی و اخلاقی	۲۶	توجه بر آثار اجرای خط مشی در تدوین
۱۱	ایجاد زمینه توزیع عدالت		

سوال دوم: مدل مناسب جهت بهبود فرایند خط مشی گذاری در موسسات مالی غیردولتی کشور چه می باشد؟ برای پاسخ به این سوال از آزمون تحلیل عاملی تأییدی و مدل معادلات ساختاری استفاده شد. هر یک از عوامل شناسایی شده مورد تحلیل عاملی تأییدی قرار می گیرد و نتایج هر عامل جداگانه در جداول زیر به صورت خلاصه ارائه شده است.

جدول ۲. تحلیل عاملی مرتبه اول چندعاملی عوامل موثر در تدوین خط مشی گذاری در موسسات مالی غیردولتی

مولفه	گویه ها	برچسب گویه ها	میانگین بارهای عاملی	میانگین مقدار t	وضعیت گویه ها
عوامل راهبردی	سوال ۱ الی ۱۶	MRF5 الی MRA1	۰/۸۵۳	۱۷/۲۶	تائید شدند
عوامل حمایتی	سوال ۱۷ الی ۲۶	MHG1 الی MHJ3	۰/۸۵۸	۱۷/۱۶۳	تائید شدند
توجه بر کیفیت آموزشی	سوال ۲۷ الی ۴۵	MQK1 الی MQL10	۰/۸۴۸	۱۷/۰۹	تائید شدند
توجه بر امکانات آموزشی	سوال ۴۶ الی ۵۳	MPX1 الی MPV2	۰/۸۷۵	۱۷/۷۳	تائید شدند
توجه بر توسعه چند گانه	سوال ۵۴ الی ۶۶	MYB1 الی MYW2	۰/۸۶	۱۷/۳۷	تائید شدند
توجه بر آثار اجرای خط مشی	سوال ۶۷ الی ۹۲	MXE1 الی MXT11	۰/۸۲۷	۱۷/۱۴	تائید شدند به جز گویه ۶۹



شکل ۱. مدل پارادایمی بهبود خط مشی گذاری آموزشی در موسسات مالی غیردولتی

در مدل مفهومی پیشنهادی پژوهش حاضر در قسمت مقتضیات زمان (شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ...) به عنوان شرایط مداخله‌گر در مدل پارادایمی بسط داده شد. همچنین در مدل مفهومی پیشنهادی پژوهش حاضر در قسمت محتوای آموزشی از مولفه‌های آن در بخش شرایط زمینه‌ای بسط و استفاده شد. علاوه بر مدل مفهومی پیشنهادی پژوهش حاضر در بخش نقش دولت به عنوان تسهیل‌گر، هدایت‌گر و پشتیبان، در بخش شرایط علی بسط و گسترش داده شد. همچنین در مدل مفهومی پیشنهادی پژوهش حاضر در بخش رهبری آموزشی (تشویق به کار گروهی و استفاده از مدیرانی مسئول) به عنوان راهنماها در مدل پارادایمی بسط و گسترش داده شد. سوال سوم: درجه تناسب مدل مفهومی ارائه شده چگونه است؟

جدول ۳ شاخص‌های برازش الگوی بهبود فرایند خط مشی گذاری در موسسات مالی غیردولتی

ردیف	ابعاد	شاخص‌های برازندگی مطلق / نسبی	مدل نهایی برازش شده	معیار ارزیابی	نتیجه
۱	عوامل راهبردی	Chi – square/df	۳۶۸/۱۷	کوچکتر یا مساوی ۵	مناسب
		RMSEA	۰/۰۶۳	کمتر از ۰/۱	
		SRMR	۰/۰۷۰	کمتر از ۰/۰۸	
		GFI	۰/۹۱	حداقل ۰/۹	
		NDI	۰/۹۲	حداقل ۰/۹	
		CDI	۰/۹۱	حداقل ۰/۹	
۲	عوامل حمایتی	Chi – square/df	۱۶۱/۵۲	کوچکتر یا مساوی ۵	مناسب
		RMSEA	۰/۰۷۵	کمتر از ۰/۱	
		SRMR	۰/۰۵۹	کمتر از ۰/۰۸	
		GFI	۰/۹۲	حداقل ۰/۹	
		NDI	۰/۹۲	حداقل ۰/۹	
		CDI	۰/۹۳	حداقل ۰/۹	
۳	کیفیت آموزشی	Chi – square/df	۶۴۹/۷۹	کوچکتر یا مساوی ۵	مناسب
		RMSEA	۰/۰۶۳	کمتر از ۰/۱	
		SRMR	۰/۰۶۱	کمتر از ۰/۰۸	
		GFI	۰/۹۴	حداقل ۰/۹	
		NDI	۰/۹۵	حداقل ۰/۹	
		CDI	۰/۹۳	حداقل ۰/۹	
۴	امکانات آموزشی	Chi – square/df	۶۰/۱۳	کوچکتر یا مساوی ۵	مناسب
		RMSEA	۰/۰۹۹	کمتر از ۰/۱	
		SRMR	۰/۰۷۲	کمتر از ۰/۰۸	
		GFI	۰/۹۰	حداقل ۰/۹	
		NDI	۰/۹۰	حداقل ۰/۹	
		CDI	۰/۹۰	حداقل ۰/۹	

	کوچکتر یا مساوی ۵	۲۵۳/۵۸	Chi – square/df	
	کمتر از ۰/۱	۰/۰۹۳	RMSEA	
مناسب	کمتر از ۰/۰۸	۰/۰۷۲	SRMR	توسعه چندگانه
	حداقل ۰/۹	۰/۹۱	GFI	
	حداقل ۰/۹	۰/۹۱	NDI	
	حداقل ۰/۹	۰/۹۱	CDI	
	کوچکتر یا مساوی ۵	۱۶۱۲/۹۹	Chi – square/df	
	کمتر از ۰/۱	۰/۰۸۱	RMSEA	
مناسب	کمتر از ۰/۰۸	۰/۰۶۹	SRMR	آثار اجرای خط مشی
	حداقل ۰/۹	۰/۹۴	GFI	
	حداقل ۰/۹	۰/۹۴	NDI	
	حداقل ۰/۹	۰/۹۴	CDI	

با توجه به جدول بالا می توان نتیجه گرفت الگوی بهبود فرایند خط مشی گذاری در موسسات مالی غیردولتی دارای ساختار مناسبی است.

بحث و نتیجه گیری

در پاسخ به سؤال اول با استفاده از روش داده بنیاد و تحلیل سوالات مصاحبه با خبرگان و کدگذاری باز، محوری و انتخابی با استفاده از نرم افزار MAXQDA داده ها نشان داد که از میان ۹۲ شاخص (گویه) موجود، ۶ بعد اصلی و ۲۱ مولفه فرعی شامل تأکید بر عوامل راهبردی در تدوین خط مشی (توانایی های علمی و مهارتی سیاستگذاران، تأکید بر واقع گرایی در تدوین خط مشی، تأثیر احزاب سیاسی بر تدوین خط مشی، تأثیر فرهنگ و جامعه در تدوین خط مشی) تأکید بر عوامل حمایتی مورد استفاده در تدوین خط مشی (استفاده از حمایت های کشوری، استفاده از جامعه علمی، استفاده از حمایت نهاد و ارگان ها دولتی) توجه بر کیفیت آموزشی در تدوین خط مشی (تأکید بر ارزیابی در تدوین خط مشی، توجه بر رشد کارکنان، تأکید بر عوامل آموزشی و پژوهشی) توجه به زیرساختها و امکانات آموزشی در تدوین خط مشی (فراهم آوردن امکانات آموزشی، اصلاح ساختار سازمانی، توزیع عادلانه بودجه در نظر گرفته شده) توجه بر توسعه چندگانه در تدوین خط مشی (توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی، توسعه فرهنگی و توسعه علمی) توجه بر آثار اجرای خط مشی در تدوین (رشد آموزشی، رشد ارزشهای انسانی و اخلاقی، ایجاد زمینه توزیع عدالت) شناسایی شد. در راستای عوامل راهبردی، این یافته، با یافته پژوهش های (سیلبرایت و همکاران، ۲۰۱۶ و صفایی موحد و فلاحی نیا، ۱۳۹۵) هماهنگ می باشد. در تبیین این یافته می توان گفت برای دستیابی به نظام یکپارچه آموزشی در موسسات مالی نیاز به مدیریت کارآمد و یکپارچه اطلاعاتی به ویژه در راستای تصمیم گیری ضروری است. در راستای مولفه توانایی های علمی و مهارتی سیاستگذاران، این یافته، با یافته پژوهش های (الوانی و همکاران، ۱۳۸۸؛ فرهی بوزجانی و همکاران، ۱۳۸۹ و کورکماز، ۲۰۱۶) همسو است. در تبیین این یافته می توان گفت که توجه به توانمندیهای علمی و تخصصی و ارتقاء آن در سیستم های مالی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در راستای مولفه تأکید بر واقع گرایی در تدوین خط مشی، این یافته، با یافته پژوهش فرهی بوزجانی و همکاران (۱۳۸۹) هماهنگ می باشد. در تبیین این یافته می توان گفت که راهبردها و سیاست های آموزشی در موسسات مالی باید به گونه ای تدوین شود که اولاً مطابق با نیازهای سازمان و دوماً بر اساس نیازهای کارکنان تدوین شوند. یعنی باید نیاز سنجی آموزشی به طور دقیق صورت گیرد و آنگاه مطابق با نیازها، طرح هایی در راستای اهداف اقتصادی موسسات صورت گیرد. در راستای مولفه تأثیر احزاب سیاسی بر تدوین خط مشی، این یافته، با یافته لو و یات (۲۰۱۷) همسو است. در تبیین این یافته می توان گفت که احزاب مختلف می توانند جهت خط مشی گذاری آموزشی را به سمت اهداف خود هدایت نمایند. اصولاً انجمن های سیاسی در صنف سیستم های مالی با فراهم آوردن چارچوبی مناسب برای اصلاح قوانین مالی، نتایج مطالعات خود را در اختیار مدیران موسسات مالی قرار می دهند. در راستای مولفه تأثیر فرهنگ و جامعه در تدوین خط مشی، این یافته، با یافته پژوهش های (اکبری و همکاران، ۱۳۹۵؛ طالبی و همکاران، ۱۳۹۵؛ الوانی و همکاران، ۱۳۸۸) همراستا است. در تبیین این یافته می توان گفت فرهنگ سازمان با عملکرد نهایی اعضای آن رابطه دارد. فرهنگ حاکم بر سازمان های آموزشی، فرهنگ ارگانیک است. در این فرهنگ که منطبق بر الگوی اقتضائی است باور های مشترک عموماً بر ساختار غیر رسمی است. تأکید بر نتیجه و عملکرد است نه وسیله و ابزار کار. در راستای عامل تأکید بر عوامل حمایتی مورد استفاده در تدوین خط مشی، این یافته، با یافته پژوهش های (فرهی بوزجانی و همکاران، ۱۳۸۹؛ لوبینسکی، ۲۰۱۸ و چیاپورو و همکاران، ۲۰۱۰) همراستا می باشد. در تبیین این یافته می توان گفت که حمایت ستادهای مختلف در راستای برگزاری برنامه های آموزشی و تدارک نیروهای مختلف به روند این برنامه ها بسیار اهمیت دارد. در راستای مولفه استفاده از حمایت های کشوری، این یافته، با یافته پژوهش چیاپورو و همکاران (۲۰۱۰) همسو است. در تبیین این یافته می توان گفت که سیستم های مالی در واقع چرخه اقتصاد کشور و گردش پولی و مالی کشور را هدایت می کنند. مسلماً زمانی که این چرخه به خوبی هدایت شود، قدرت مانور کشور در عرصه بین المللی نیز افزایش خواهد یافت. بنابراین حمایت های همه جانبه از این سیستم ها، منجر به رشد اقتصادی کشور خواهد شد. در راستای مولفه استفاده از جامعه علمی، این یافته، با یافته پژوهش های (اکبری و همکاران، ۱۳۹۵؛ چیاپورو و همکاران، ۲۰۱۰) همسو است. در تبیین این یافته می توان گفت که سازمان های مالی باید از دستاوردهای افراد خیره نظیر اقتصاددان استفاده نمایند. زیرا استفاده از تجربیات این افراد و نیز الگو برداری از استانداردهای بین المللی باعث می شود که از سرمایه گذاری هایی که به سود سازمان نباشد، جلوگیری شود. در راستای مولفه استفاده از حمایت نهاد و ارگان های دولتی، این یافته، با یافته پژوهش های (لوبینسکی، ۲۰۱۸ و چیاپورو و همکاران، ۲۰۱۰) همسو و هماهنگ می باشد. در تبیین این یافته می توان گفت که اگر بخواهیم چرخه سیستم های مالی در جامعه در مسیر توسعه اقتصادی کشور حرکت کنند و از رکود مالی و اقتصادی در کشور جلوگیری شود، باید نهادهای مختلف کشور از این برنامه ها و طرح های آموزشی حمایت نمایند. بنابراین لازم است که تمام ارگانهای زیربنا به روند توسعه آموزشی در موسسات مالی کمک نمایند. در راستای عامل توجه بر کیفیت آموزشی در تدوین خط مشی، این یافته، با یافته پژوهش های (سیلبرایت و همکاران، ۲۰۱۶؛ تانگ و همکاران، ۲۰۱۶) همسو و هماهنگ می باشد. در تبیین این یافته می توان گفت که در مسیر سیاستگذاری آموزشی در موسسات مالی توجه به بالا بودن کیفیت آموزشی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. زیرا زمانی که کیفیت در حد مطلوبی باشد، می توان انتظار داشت که بهره وری مالی و اقتصادی از روند بالایی برخوردار باشد. در راستای مولفه تأکید بر ارزیابی در تدوین خط مشی، این یافته، با یافته پژوهش (طالبی و همکاران، ۱۳۹۵) هماهنگ است. در تبیین این یافته می توان گفت که حفظ یک سیستم کاری با عملکرد بالا شامل توسعه برنامه های آموزشی، استخدام افراد با مجموعه مهارتهای جدید و مورد نیاز و ارزیابی صحیح از فرایند آموزش های داده شده و استقرار پاداش برای رفتارهایی مانند کار تیمی، انعطاف پذیری و یادگیری است. در راستای مولفه توجه بر رشد کارکنان، این یافته، با یافته پژوهش کورکماز (۲۰۱۶) همسو است. در تبیین این یافته می توان گفت که زمانی که طرح های آموزشی اجرا می شود و سازمان بودجه کافی در این زمینه صرف می کند، مسلماً باید انتظار داشت که کارکنان در زمینه آموزش های داده شده، مهارتهای مورد نظر را فرا گرفته باشند. در راستای مولفه تأکید بر عوامل آموزشی و پژوهشی، این یافته، با یافته پژوهش های (کورکماز، ۲۰۱۶ و سالونیا، ۲۰۱۰) هماهنگ است. در تبیین این یافته می توان گفت که میزان توانایی سازمان ها، آموزش و حفظ نیروهای کاری واجد شرایط می باشد و از عوامل مورد توجه در اتخاذ این توانایی، توسعه عوامل آموزشی و پژوهشی است. در راستای عامل توجه به زیرساختها و امکانات آموزشی در تدوین خط مشی، این یافته، با یافته پژوهش های (لوبینسکی، ۲۰۱۸ و سیلبرایت و همکاران، ۲۰۱۶) همسو است. در تبیین این یافته می توان گفت که به منظور تدوین خط مشی گذاری آموزشی در موسسات مالی، تدارک امکانات و زیرساختهای لازم از اهمیت ویژه ای برخوردار است. یعنی سازمان باید بودجه کافی در این زمینه نظر بگیرد و با استفاده از این بودجه امکاناتی مانند فضای آموزشی مناسب، محتوای آموزشی به روز و مطابق با نیازهای کارکنان، بهره گیری از مدرسان متخصص و... تدوین نمایند. در راستای مولفه فراهم آوردن امکانات آموزشی، این یافته، با یافته پژوهش های (لوبینسکی، ۲۰۱۸ و سیلبرایت و همکاران، ۲۰۱۶) هماهنگ است. در تبیین این یافته می توان گفت که امکانات آموزشی به عنوان ابزاری در جهت تسهیل یادگیری کارکنان محسوب می شود. این امکانات هم به صورت سخت افزاری و هم بصورت نرم افزاری در سیستم های مالی تعریف می شوند. در راستای مولفه اصلاح ساختار سازمانی، این یافته، با یافته پژوهش های (گالیش و استارنوسکی، ۲۰۱۸؛ لوبینسکی، ۲۰۱۸ و سیلبرایت و همکاران، ۲۰۱۶؛ کورکماز، ۲۰۱۶؛ طالبی و همکاران، ۱۳۹۵؛ قلی پور و همکاران، ۱۳۹۷؛ فرهی بوزجانی و همکاران، ۱۳۸۹) همسو است. در تبیین این یافته می توان گفت که یک سیستم مالی نوعی از یک واحد اجتماعی متشکل از افراد است که برای دستیابی به اهداف جمعی مدیریت می شوند. سازمانی که به خوبی سازماندهی شده، هماهنگی را به دست می آورد و به عنوان ساختار، کانال های ارتباطی رسمی را مشخص می کند و نحوه فعالیت های جداگانه افراد را با هم مرتبط می کند. این ساختار باید به وضوح، روابط گزارش دهی و جریان اختیار را تعیین کند. زیرا این امر ارتباط خوبی برقرار خواهد کرد و موجب جریان کارآمد و موثر در کار می شود. در راستای مولفه توزیع عادلانه بودجه، این یافته، با یافته پژوهش های (طالبی و همکاران، ۱۳۹۵) هماهنگ می باشد. در تبیین این یافته می توان گفت که برابری فرصتها، رشد فزاینده و منابع از شاخصهای مهم عدالت در توزیع منابع در موسسات مالی به شمار می رود. تخصیص بودجه زمانی در جهت فقرزدایی است که اشتغال زایی و رشد متوازن در تخصیص منابع بانکی مورد توجه قرار گیرد. در راستای مولفه توجه بر توسعه چندگانه در تدوین خط مشی، این یافته، با یافته پژوهش قلی پور و همکاران (۱۳۹۷) همسو می باشد. در تبیین این یافته می توان گفت متولیان سیاستگذاری در این عرصه نباید در طرح های خود به توسعه تک بعدی این راهبردها تمرکز داشته باشند، زیرا نتایج این سیاستگذارها نهایتاً به تمام اقشار جامعه ختم می شود. پس باید گفت که در جریان سیاستگذاری های آموزشی باید توسعه ابعاد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ... را مد نظر داشته باشند. در راستای مولفه توسعه اقتصادی، این یافته، با یافته پژوهش های (اکبری و همکاران، ۱۳۹۵؛ طالبی و همکاران، ۱۳۹۵؛ محمودزاده و همکاران، ۱۳۹۴؛ الوانی و همکاران، ۱۳۸۸) همخوانی دارد. در تبیین این یافته می توان گفت که توسعه اقتصادی دارای گامهایی است. یکی از این شاخصها،

References

- Akbari, A, Navid Bakhsh, S, Bakhitari Findri, M. (2016) A Systematic Proposed Model for Policy Making in Education, Quarterly Journal of Management and Accounting Studies, Volume 2, Number 3, pp. 172-179.
- Alvani S, Behzadpour, S; Hadi Peykani, M. (2009) A Review of Policy Models in the Higher Education System, Parliament and Research, Volume 15, Number 59.
- Asghari, F. (2016) Assessing the current state of the higher education system, the need to implement the policy of internationalization of universities in Iran, National Congress of Higher Education of Iran.
- Chiaburu, D. S., Dam, K. V. & Hutchins, H. M. (2010). "Social Support in the Workplace and Training Transfer: A Longitudinal Analysis." International Journal of Selection and Assessment. Vol. 18, no.2.
- Danesh Fard, K. (2010) Public Policy Making Process, Islamic Azad University, Science and Research Branch.
- Farhi Buzjani, b; Honesty, AS; Business, M; Bahadori, M.; Tawfiqi, Sh. (1389). "Designing a Development Model for Managers in the Field of Health and Medical Education", Journal of Military Medicine, Volume 12, Number, pp. 122-117.
- Gawlicz, K.; Starnawski, M. (2018). Educational Policies in Central and Eastern Europe: Legacies of State Socialism, Modernization Aspirations and Challenges of Semi-Peripheral Contexts. Policy Futures in Education, v16 n4 p385-397 May 2018.
- Hemmati, A., Goodarzi, M., Hajiani, A. (2015) The Necessity of Futurology in Educational Systems, Management Futurology Quarterly, Twenty-Third Year, No. 103, Summer.
- Jafari, A., Karimi, F. (2017) Professional policy-making in the educational system in the third millennium with emphasis on the topic of futures studies, third year, consecutive issue 29, December 2017.
- Jahanian, R. (2012) Study and analysis of development policies of education in Iran in the contemporary period, Quarterly Journal of Political Science, No. 19.
- Korkmaz, M. (2016). " Analytical Report of the Educational System ", Educational Research Quarterly, 1, p:57
- Lo, William. Yat Wai (2017). The Recalibration of Neoliberalisation: Repoliticising Higher Education Policy in Hong Kong. Higher Education: The International Journal of Higher Education Research, v73 n5 p759-773 May 2017.
- Lubienski, C. (2018). The Critical Challenge: Policy Networks and Market Models for Education. Policy Futures in Education, v16 n2 p156-168 Feb 2018.
- Mahmoudzadeh Ahmadinejad, Sh. Kavousi, R., Ghasemi, Z. Bekzadeh, M., Soltani, L. (2015) The First National Conference on Public Administration in Iran, Public Policy, Tehran University of Tehran.
- Manourian, AS, Divandari, AS, Yaghoubi, S., Spanloo, H. (1397) Description and explanation of the phenomenon of e-banking policy-making in Iran with the data theorizing method of the Foundation, Scientific-Research Quarterly of Command and Control, Second Year, No. 3, Fall 97, pp. 98-107.
- Müller, Pierre, Public Policy, translation: Malek Mohammadi, M. (2015), Nashrdadgostar, first edition, pp. 109-110-116.
- Qadir Mohseni, M. (1397) Explaining and developing new business models for banks, International Conference on Management, Accounting, Banking and Economics on the horizon of Iran 1404, Tehran.
- Qolipour, R., Asghar Fani, A., Ragheb, F. Amiri, M., Mohammadi, M. (1397) Designing a policy model in Iranian education with the capability approach, Quarterly Journal of Public Policy, Volume 4, Number 3, Fall 1397, pp. 176-159.
- Safaei Movahed, S. and Fallahinia, H. (2016). "Development of professional development plan for experts and training managers in the National Iranian Oil Company" Quarterly Journal of Education Development and Human Resources, Third Year, No. 8, pp. 99-122.
- Silberglit, Richard , David R . Howell, and Anny Wong (2016). Factors Affecting University Development the Global Technology, In – Depth Analyses. santamonica, CA: RAND National Security Research Division.
- Solonia.M.(2010). Training and development Proses of BHELL posted in dissertation by skyline business.
- Talebi, B, Seyed Nazari, N, Soodi, H. (2016) Presenting a perceptual policy model in Iranian education, Approach No. 65.
- Tong, D. Yoon K. . Rasiah, D.(2016). The main features of the economy underpin a proper educational system. Organizational Behavior . vol :5 , issue: 2.

Review of Educational Policy-Making in Non-Governmental Financial Institutions in Order to Present an Appropriate Model

Saeed Bakhshizadeh¹,
Heidar Toorani^{2*},
Ali Khalkhali³,

Abstract

Purpose: The aim of this study was to investigate the educational policy in non-governmental financial institutions in order to present an appropriate model.

Methodology: The research method, in terms of developmental purpose and in terms of the type of consecutive exploratory data, was performed in the qualitative part by the data method and in the quantitative part by the descriptive survey method. The statistical population included 3850 people in the qualitative part of a number of experts and in the quantitative part of all managers, deputies and staff members of institutions. In the qualitative section, 12 people were selected by snowball method and in the quantitative section, 384 people were selected by cluster and random method according to Krejcie and Morgan table. The research tool was a researcher-made questionnaire that had a slight appearance, content and structure. Also, CVR was confirmed with a coefficient of 0.846 and its reliability was confirmed with a coefficient of 0.871 and the data were analyzed.

Findings: The results showed that the dimensions and components of the model are: 1- Emphasis on strategic factors (scientific and skill abilities of policy makers, emphasis on realism in policy formulation, the impact of political parties on policy formulation, the impact of culture and society in Policy formulation) 2- Emphasis on supportive factors (use of national support, use of scientific community, use of support of government institutions and bodies) 3- Attention to educational quality (emphasis on evaluation in policy formulation, attention to staff growth, Emphasis on educational and research factors) 4- Paying attention to educational infrastructures and facilities (providing educational facilities, reforming organizational structure, fair distribution of budget) 5- Paying attention to multiple development (economic, political, social, cultural and scientific development) 6- Paying attention to the effects of policy implementation (educational growth, growth of human and moral values, creating the ground for justice distribution).

Conclusion: Considering the root value of estimating the variance of the approximation error for each dimension which is equal to 0.063, 0.075, 0.063, 0.099, 0.093 and 0.081, respectively, the resulting model has a suitable structure.

Keywords: Educational Policy Making, Non-Governmental Financial Institutions, Economic Development, Scientific Development, Model.

¹ PhD Student in Educational Management, Tonekabon Branch, Islamic Azad University, Tonekabon, Iran.

². Faculty Member, Research Organization and Institute for Educational Studies, Tehran, Iran (Corresponding Author) heidar_toorani@yahoo.com

³ Associate Professor, Tonekabon Branch, Islamic Azad University, Tonekabon, Iran.